

## گفتگو با آیت ا □ شیخ ناصر مکارم شیرازی

گفتگو با آیت ا □ مکارم شیرازی

بسم ا □ الرحمن الرحيم

□ با تشکر از استاد به عنوان اوّلین سؤال بفرمایید برخی به مسأله تحریف قرآن دامن می زنند. دیدگاه عالمان شیعه و سنی در این باره چیست ؟

■ من معتقدم سه دسته هستند که مسأله تحریف را دامن می زنند، يك دسته دوستان نادان، کسانی که تصور می کنند اگر ما قائل به تحریف بشویم، به اسلام خدمت کرده ایم یا به ولایت خدمت کرده ایم، در حالی که در اشتباه به سر می برند. ولایت وقتی پا برجا می ماند که نبوت پا برجا باشد، نبوت هم وقتی پا برجاست که قرآن پا برجا بماند. اگر بنا شود ما اساس قرآن را متزلزل کنیم، اساس نبوت و به دنبالش اساس ولایت، هر دو متزلزل می شود.

اینها دوستان نا دانی هستند که به تحریف قرآن دامن می زنند. دسته دوّم که به تحریف قرآن دامن می زنند، دشمنان دانا هستند که می خواهند قول به تحریف را از خود مسلمانها بگیرند و منتشر کنند و بگویند قرآن مسلمانها هم اصالت خویش را از دست داده است. همان گونه که تورات و انجیل تحریفات زیادی پیدا کرده و اصالت

خودش را از دست داده است، قرآن هم همین طور است. این هم يك دسته هستند که دارند این کار را می کنند. دسته دیگر هم کسانی هستند که می خواهند به مذاهب مخالف خودشان در اسلام برچسب بزنند. مثلاً گروهی از وهابیهها هستند که می گویند شیعه معتقد به تحریف قرآن است. اینها برای این که برچسبی بزنند و به گمان خودشان شیعه را از دور خارج کنند، این ادعارا می آورند. ولی قرآن را از دور خارج می کنند، اسلام را از دور خارج می کنند.

اینها افراد متعصبی هستند که به گمان خودشان می خواهند برای مذهب وهابیت پایگاهی درست کنند، غافل از این که اسلام را از ریشه متزلزل می کنند. من معتقدم اینها همه، افرادی هستند منحرف، گاه دوستان نادان، گاه دشمنان دانا و گاه آنها یی که می خواهند به مخالفین خود برچسب بزنند. اما واقعیت مسأله این است که اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه و اکثریت قریب به اتفاق علمای اهل سنت معتقدند قرآنی که الآن در دست ماست، همان قرآنی است که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، نه يك کلمه کم، نه يك کلمه زیاد، نه يك واو و الف کم، نه يك واو و الف زیاد. اقلیتهایی هستند در میان دانشمندان شیعه و يك اقلیتهایی هم در میان علمای اهل سنت که این دو اقلیت نا چیز قائل به تحریف بودند محققان هم حرف اینها را مطرود دانسته اند.

پس محققان دو گروه به عدم تحریف معتقدند، يك عدّه کم و شاذی قائل به تحریف شده اند. این واقعیت مطلب است. هر چه هم غیر از این گفته می شود، برچسب چسباندن است و تعصبات بیجاست و مسائلی است که با واقعیتها تاریخی سازگار نیست.

□ برای روشن شدن موضوع توضیح بفرمایید که آیا کسی هست قرآن موجود را محرّف بداند ؟

■ قرآن موجود را محرّف دانستن، به این معنا که چیزی اضافه شده باشد، هیچ کسی معتقد نیست. یعنی احدی از علمای هیچ کدام از فرق اسلامی نمی گوید در این قرآن يك چیز اضافه است. آنها یی هم که قائل به تحریف هستند که معدود افرادی از فریقین هستند، کسانی هستند که معتقدند چیزی از قرآن کم شده،

نمی گویند چیزی بر قرآن اضافه شده است.

□ با روایاتی که در مورد تحریف قرآن از شیعه و سنی نقل شده چگونه باید برخورد کنیم؟

■ روایات تحریف قرآن - همان طور که ما در بحث اصول هم مفصل گفتیم و در کتاب «انوار الاصول» هم مفصل چاپ شده - چند گروه است :

بعضی از این روایات ناظر به تفسیر قرآن است، وقتی می گوید : قرآن علی علیه السلام فلان مقدار بود، خیلی بیشتر از قرآن فعلی بود، این معنایش این است که علی علیه السلام متن قرآن را نوشت، تفسیرهای پیغمبر صلی الله علیه وآله را نوشت، شأن نزولها را نوشت، عام خاص قرآن را نوشت و ناسخ و منسوخ قرآن را نوشت. روایت این معنا را می گوید.

حضرت علی صلی الله علیه وآله با این خصوصیات نوشت، نه این که قرآنی غیر از این قرآن بوده باشد. بنابراین، گروهی از روایات ناظر به مجموعه های تفسیری قرآن است، مجموعه های شأن نزولی، عام و خاص، مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ قرآن است. این دلیل بر تحریف نیست. بعضی اشتباه کردند و خیال کرده اند اینها دلیل بر تحریف قرآن است.

طائفة دوّمی از روایات اشاره کننده به تحریف هست که زمینه ای بر تحریف

-(520)-

معنوی قرآن است، یعنی قرآن را بد تفسیر کردن. فرض کنید ما آیه ای در قرآن مجید داریم که می فرماید : **خَلَقَ لَكُمْ مَسَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا** □ هر چه در روی زمین است، خدا برای شما آفریده. بعضی ها آمدند تحریف معنوی کردند گفته اند معنایش این است که همه چیز مشترك است و این آیه دلیل است بر الغای مالکیت شخصی و خصوصی. در حالی که قرآن وقتی می گوید : «خداوند همه چیز زمین را برای شما خصوصی در حالی که قرآن وقتی می گوید : «خداوند همه چیز زمین را برای شما آفریده» معنایش این است که در خدمت شما است، حالا این در خدمت بودن گاهی به صورت املاک عمومی است، گاهی ملك دولتی است، گاهی ملك خصوصی است. آنها می گویند که هیچ منافاتی ندارد که ما از این معنای خدمت، اشتراکیت و کمونیسیم

در بیاوریم. این تحریف است، منتها نه تحریف لفظی. آیا الفاظ آیه را عوض کرده ایم؟ نه بلکه تحریف معنوی است، آیه را بد تفسیر کردیم. گروه‌های زیادی بودند در طول تاریخ اسلام که قرآن را تحریف معنوی کردند.

أَنهَا ۖ يُحَرِّرُ فُؤُونََ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ ۖ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُوا غَيْرَ مُسْمَعٍ ۖ وَرَاعَيْنَا لِيُذَلِّبَنَا بِأَلْسِنَتِهِمْ ۖ وَطَاعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّنَاهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعُوا ۖ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۖ وَأَفْوَءًا وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ ۖ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۖ بودند. آیات را به گونه دیگری معنا می‌کردند که قسمتی از روایات تحریف هم ناظر به این است. بخش سوّمی از روایات تحریف هم هست که آن روایات، روایات مجهول و دروغی است و روایانش افراد بی اعتبار کاذبی بودند. مثلاً يك راوي داریم بنام سيّاري که قهرمان روایات تحریف است. این سیّاري که قهرمان روایات تحریف است. این سیّاري قسمت مهّمی از روایات تحریف را نقل کرده که حاجی نوری هم در کتابش زیاد از او روایت آورده و این شخص، شخصی است بی اعتبار، کذاب، دروغگو، غیر قابل اطمینان.

اگر روایات او را در باب تحریف جمع کنیم، خیلی زیاد می‌شود و قرائن کذب هم گاهی در این روایات هست. مثلاً روایتی داریم که دست هر کس بدهند، می‌گویند این دروغ است. و آن روایت این است که سؤال کردند از آیه شریفه قرآن: ۖ وَإِن خِفْتُمْ أَهْلَ الْأَرْضِ يُغْضِبُوا فِي الْأَرْضِ فَمَا نَصَرُوا ۖ مَا ظَابِلٌ لَّكُمْ مِنَ النَّبِيِّاتِ وَتِلْكَ أَرْبَاعٌ ۖ وَإِن خِفْتُمْ أَهْلَ الْأَرْضِ يُغْضِبُوا فَوَاحِدَةً ۖ أَوْ مَمْلَكَاتٍ ۖ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۖ اگر می‌ترسید درباره یتیمان

–(521)–

ظلم کنید، بروید بازنان پاکیزه ازدواج کنید. خوب صدر آیه در باره یتیمان است، ذیل آیه در باره ازدواج با زنان پاکیزه است. این دو مورد به گمان عده ای با هم ارتباط ندارد.

روایتی هست که – البته ما می‌گوییم این روایت دروغ است – که حضرت علیه السلام فرمود: بیش از ثلث قرآن بین این دو جمله بوده که ساقط شده. اکثر از ثلث قرآن یعنی ده جزء؛ یعنی به اندازه ده جزء بین این دو جمله شرطیه و جمله جزاییه بوده، که حذف شده. قرآنی که مرتّب ختم می‌شد، قرآنی که حافظان بی شمار در کشورهای اسلامی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، يك چنین قرآن بی صاحب

نبود که ده جزئش يك مرتبه حذف شود و اثري از آثارش هم اصلاً نباشد. اين دروغ محض است. بين اين شرط و جزا رابطه هست، اشاره به دختران یتیم است. مي رفتند دختران یتیم را ازدواج مي کردند، متهم مي شدند بخاطر پولش. مي فرماید : با دختران یتیم پولدار اگر مي ترسيد ازدواج کنید بخاطر پول و حيف و ميل اموال آنها، برويد سراغ زنان پاکیزه ديگر که کبيره هستند.

بنابراين اگر مي ترسيد از اين که اموال دختران یتیم را حيف و ميلي کرده باشيد، برويد با زنان ديگر ازدواج کنید ؛ در اين آیه شرط، جزا و پاداش کاملاً با هم مي سازد. حالا روايتي که مي گويد اکثر از ثلث قرآن، بيش از ده جزء قرآن بين اين دو جمله بوده است و حذف شده، امثال اين روايت دروغ است، و يك محقق نبايد روايات تحريف را يك کاسه کند، بايد اينها را از هم جدا کند، موقعيت هر يك را ببيند و در باره اش قضاوت کند.

□ بعضي از مستشرقين و بعضي از علماي متعصب اسلامي سعي دارند تحريف قرآن را اثبات کنند، به نظر شما اينها چه هدي را دنبال مي کنند ؟

—(522)—

■ واماً مستشرقين که اين کار را مي کنند، پيدا است که اينها عداوت و دشمني با اسلام دارند و واقعاً مي خواهند اسلام را متزلزل کنند. مي دانيم که قرآن، همه چيز ماست. قرآن قانون اساسي ماست، اعتقاد ماست، احکام ماست، اخلاق ماست، تاريخ اسلام است، همه چيز ما در اين قرآن است. اگر قرآن را داشته باشيم همه چيز داريم، قرآن را از دست بدهيم، همه چيز را از دست مي دهيم و دشمن هم درست هدف گيري کرده، قلب اسلام يعني قرآن را. پيدا است آنها مي خواهند قلب اسلام را هدف گيري کنند که قرآن را زير سؤال مي برند. واماً بعضي از متعصبين. واقعاً بايد بانهايت معذرت عرض کنم که اينها افراد جاهل و ساده اي هستند که به گمان خودشان دارند خدمت مي کنند، در حالي که بزرگترين خيانت را انجام مي دهند، به گمان خودشان دارند خدمت مي کنند، در حالي که بزرگترين خيانت را انجام مي دهند، به گمان اين که مي خواهند شيعه را از دور خارج کنند، کلّ اسلام را دارند ويران مي کنند. خدا اين افراد نادان را هدايت کند. آنها بي خبرند، که بادست خودشان تيشه به ريشه اسلام مي زنند، عجب اين است که علماي شيعه مرتب مي گویند : ما قائل به تحريف نيستيم، کتابهايمان را ببينيد. قرآني که پيش ماست همان قرآن شماست و هيچ فرقي نمي کند. باز هم مي گویند : شيعه قرآن ديگري دارد.

کسي که بعد از تکذيب علما باز هم مي گويد، پيدا است آدم نادرستي است. من يك جرياني که براي خودم

واقع شد، بگویم که يك سند است. ما مشرف شده بودیم به مکه معظمه، در يك سفر عمره بود. یکی از دوستان می گفت که اگر ما یل باشید با وزیر امور مذهبی حجاز ملاقاتی داشته باشید. گفتیم عیب ندارد. رفتیم این آقای وزیر را ما دیدیم که یکی از علمای قدیمی حجاز بود. در ضمن بحث راجع به مسأله وحدت و اتحاد شیعه و اهل سنت و همکاری با هم حرف زدیم. این آقا یعنی کسی که به اصطلاح بزرگترین مسؤول مذهبی آن جاست، از يك مسأله واضح بی خبر بود و پرسید : «سمعت

—(523)—

ان لكم مصحفاً غیر مصحفنا» من شنیدم شما يك قرآنی دارید، غیر از قرآن ما ! گفتیم کدام قرآن ؟ گفت : مصحف فاطمه. مصحف فاطمه «سلام □ علیها» شما این چنین قرآنی دارید. من بلا فاصله به ایشان گفتم : که آقا آزمایش این معنا خیلی آسان است. شما اگر خودتان می آید، با هزینه ما، ما دعوتتان می کنیم. برویم ایران، نه، يك نماینده با ما بفرستید، تمام مساجد قرآن دارد، در تمام خانه ها قرآن هست.

انتخاب مسجد، انتخاب خانه به دست شما.

در می زنیم در تهران هر خانه ای را خواستید، قرآنان را ببینیم، صد تا، هزار تا خانه، قرآنهاي ده تا، صد تا مسجد را نگاه می کنیم. اگر يك قرآن يك «و» کمتر یا بیشتر از این داشته باشد، شما این را بگویید و الا ادعا نکنید. مصحف فاطمه ربطی به قرآن ندارد، سخنانی بود که ملك همان گونه که فرشتگان با مریم مادر عیسی علیه السلام سخن می گفتند، ما معتقدیم با فاطمه زهرا علیها السلام سخن می گفتند و این سخنان را علی علیه السلام نوشت.

آن هم مربوط به احکام و عقاید نبود. خبرهایی از گذشته و آینده در آن بود. این مصحف فاطمه علیها السلام است، آن هم نزد ائمه معصومین علیهم السلام است، نزد ما هم وجود ندارد. بنا بر این مصحف فاطمه علیها السلام چه ربطی به قرآن مجید دارد؟ حالا ما این را می گوئیم آزمایش آسان است، باز هم می گویند. این تعصب و لجاجتی است که بعضی را گرفته و خیال می کنند شیعه ها را با این وسیله می شود از میدان به در کرد:

یکی مسأله تحریف قرآن و یکی هم مسأله مربوط به احترام صحابه. در حالی که هر دو اشتباه است و تحریف قرآن را ما قائل نیستیم، بارها هم گفتیم، در کتابهایمان هم نوشتیم، برای آنها هم ننوشتیم

هم يك اقليتي دارند که فائل بودند، اينها هم يك اقليتي دارند. نه قول اين اقليت اعتبار دارد، نه قول آن اقليت. بنا بر اين اصرارها ناشی از اين سرچشمه هايی است که عرض کردم.

□ با اين که محققان از شيعه و اهل سنت قائل به عدم تحريف قرآن هستند، چگونه بعضی از ناآگاهان و متعصبان فرق اسلامي اين مسأله را وسیله ای برای تفرقه قرار دادند ؟

■ من عقیده ام اين است که باید سعی کنیم فرهنگ فرق اسلامي را بالاتراز اين که هست، ببينيم، مشکل همیشه مشکل فرهنگی است.

بي خبری، نا آگاهی، نادانی، و تعصبات ناشی از اين جهل و نادانی ؛ اينها دامن می زنند. اگر ما سعی کنیم از طرق مختلف سمینارهايی بگیريم، علمای فریقین را جمع کنیم، کتابها و مجلات و مقالات را... اين او آخر در مسأله حفظ و قرائت قرآن، خیلی خوب جوانان شيعه ما می درخشند، همین مقدار زيادی سوء تفاهم را کم کرده. چرا ؟ به علّت اين که آنها می گفتند : اصلاً شيعه ها هيچ رابطه ای با قرآن ندارند، هيچ علاقه ای به قرآن ندارند. اما يکوقت می بينند حافظان قرآن شيعه هستند و بهترين قاریان قرآن در مسابقات از میان شيعه ها برخاسته اند. اگر ما اين رفت و آمدها را داشته باشيم، اختلافات کم کم بر چیده می شود.

□ به نظر شما قرآنی که علي عليه السلام نوشته اند، چه فرقی با نسخه های فعلی قرآن دارد؟

■ هما نطور که من عرض کردم، آن که علي عليه السلام نوشته اند، هيچ تفاوتی با قرآن امروز نداشت، جز

در این چیزی که عرض می‌کنم: علی‌علیه‌السلام شأن نزولها را نوشته بودند، ناسخ و منسوخها را نوشته بودند، عام و خاصها را نوشته بودند، تفسیرهایی که پیغمبر

–(525)–

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم فرموده را نوشته بودند، به ترتیب نزول نوشته بودند، یعنی شاخ و برگهایی به تعبیر امروز «علوم القرآن» ضمیمه بود. مثل این که يك قرآن در متن بنویسیم، اطرافش شان نزولها و عام و خاص و تفسیرات و علوم القرآن بنویسیم، والا در متن قرآن يك واو با این قرآنی که ما داریم تفاوتی نداشت.

□ کتاب جفر و جامع که علی‌علیه‌السلام تنظیم کرده و نزد ایشان بوده، با قرآن چه تفاوتی داشت؟

■ جفر و جامع هیچ ارتباطی با قرآن ندارد. بطوری که از روایات استفاده می‌شود، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم احکامی را به علی‌علیه‌السلام دیکته کرده و علی‌علیه‌السلام نوشته. اینها را علی‌علیه‌السلام جمع کرد. در واقع این سنّت است.

اسم این در بعضی از روایات شاید «جامعه» گذاشته شده، بنابراین، جفر و جامعه مربوط به سنت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم است نه این که مربوط به قرآن باشد، جمع آوری سنّت است که من امیدوارم ان شاء الله الرحمن يك مقدار بیشتر روی این مسائل کار شود.

اینها چیزهایی است که دشمن شدیداً روی کار می‌کند. ما اگر بخواهیم وحدت مسلمین را حفظ کنیم و ضربات صهیونیسم را دفع کنیم و جلوی تهاجم فرهنگی را بگیریم، باید بازگشت به قرآن کنیم، همان گونه که محققان گفته اند، اصالت قرآن را بپذیریم ز ما هر چه داریم از قرآن است و بازگشت به قرآن همه چیز به ما می‌دهد و شرط اولش هم این است که بدانیم قرآن تحریف نشده، اصالت قرآن همچنان حفظ شده. قرآن چهارده نفر و به روایتی حدود 39 الی چهل نفر کتاب وحی داشته. نازل که می‌شد آن را می‌نوشتند. این چنین کتابی را نمی‌شود تحریف کرد. در بعضی از جنگها داریم که سیمصد نفر از حافظان قرآن شهید شدند. جقدر حافظ قرآن بوده که سیمصد تن در يك

–(526)–



میدان جنگ حضور داشته اند؟ پس این کتاب امکان ندارد تحریف شده باشد، منتها باید مقدار زیاد به مردم آگاهی بدهیم، تا ان شاء الله بتوانیم اساسترین پایه دینی را حفظ کنیم.

ان شاء الله